



Impact of Board of Directors' Characteristics on Environmental, Social, and Corporate Governance Reporting

Esfandyar Malekian (Ph.D) *

Hossein Fakhari (Ph.D) **

Monir Jafaei Rahni (Ph.D) ***

Abstract

Objective: This study investigates the effects of board of directors' characteristics on environmental, social and corporate governance, ESG, reporting in the companies listed in the Tehran Stock Exchange during 2012-2016.

Method: Data was collected using document mining method and referring to databases. This is inferential with correlation-based statistical analysis research, based on structural equation model.

Results: The results showed that among the eight variables explaining board of directors' characteristics, the ratios of non-executive members of the board, corporate ownership in the board, board of directors stability and number of women in the board have positive and significant impacts on ESG reporting; and CEO duality and level of education of the board have negative and significant impacts on ESG reporting. But the variables of the size of the board and the number of meetings of the board are uncorrelated with the ESG reporting.

Conclusion: The results of the research hypotheses show many of the board of directors' characteristics have important role in the ESG reporting. This indicates the factors needed to be considered to improve the transparency of information.

Keywords: *Board of Directors Characteristics, Content Analysis, Environmental and Social and Corporate Governance Reporting, Sustainability Reporting.*

Citation: Malekian, E., Fakhari, H., Jafaei Rahni, M. (2019). Impact of board of directors' characteristics on environmental, social, and corporate governance reporting. *Journal of Accounting Knowledge*, 37(2), 77-112.

* Professor of Accounting, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

** Associate Professor of Accounting, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

*** Assistant Professor of Accounting, Gonabad Branch, Islamic Azad University, Gonabad, Iran.

Corresponding Author: Esfandyar Malekian (Email: e.malekian@umz.ac.ir)

Submitted: 24 June 2018

Accepted: 27 February 2019

DOI: 10.22103/jak.2019.12336.2729

بررسی تأثیر ویژگی‌های هیئت‌مدیره شرکت بر میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی

دکتر اسفندیار ملکیان*

دکتر حسین فخاری**

دکتر منیر جفائی رهنی***

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف بررسی تأثیر ویژگی‌های هیئت‌مدیره شرکت بر میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی طی دوره زمانی ۵ ساله از سال ۱۳۹۱ تا سال ۱۳۹۵ انجام شده است. روش: روش گردآوری داده‌ها، روش اسنادکاوی و مراجعه به بانک‌های اطلاعاتی و روش تحلیل داده‌ها از نوع استنباطی می‌باشد. این پژوهش از جهت تحلیل آماری از نوع همبستگی و مبتنی بر الگوی معادلات ساختاری است. یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد که از بین هشت متغیر هیئت‌مدیره، متغیرهای نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره، نسبت مالکیت هیئت‌مدیره و نسبت زنان هیئت‌مدیره و نسبت ثبات اعضای هیئت‌مدیره بر میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی تأثیر مثبت و معنادار و دوگانگی وظیفه مدیرعامل و نسبت تحصیلات هیئت‌مدیره بر میزان گزارشگری

* استاد حسابداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

** دانشیار حسابداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

*** استادیار حسابداری، واحد گناباد، دانشگاه آزاد اسلامی، گناباد، ایران.

نویسنده مسئول مقاله: اسفندیار ملکیان (Email: e.malekian@umz.ac.ir)

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۳

زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی تأثیر منفی و معنادار دارند. بین اندازه هیئت‌مدیره و تعداد جلسات هیئت‌مدیره با میزان گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی، رابطه‌ای مشاهده نشده است.

نتایج: نتایج فرضیه‌های پژوهش، اهمیت نقش ویژگی‌های هیئت‌مدیره را بر میزان گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی شرکت و در نتیجه بهبود شفافیت اطلاعات را نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: تحلیل محتوا، گزارشگری پایداری، گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی، ویژگی‌های هیئت‌مدیره.

مقدمه

بی‌شک اقتصاد جهانی پایدار، مستلزم فعالیت‌های پایدار نهادها و سازمان‌های موجود در آن است. از همین جهت گزارشگری پایداری که شامل افشای اطلاعات مالی و غیرمالی مبتنی بر جنبه‌های زیست‌محیطی و اجتماعی و راهبری شرکتی^۱ است از اهمیت زیادی برخوردار می‌شود (جتمانیروج^۲، ۲۰۱۶). جتمانیروج (۲۰۱۶) معتقد است که توجه شرکت‌ها به گزارشگری پایداری که شامل جنبه‌های مالی و غیرمالی می‌شود، می‌تواند به عملکرد پایدار شرکت‌ها منجر شده، باعث افزایش ارزش سهام آنها شود. همچنین این نوع گزارشگری عاملی مهم جهت تداوم شرکت‌هاست. ماتن و مون^۳ (۲۰۰۸) معتقدند که شرکت‌های آمریکایی به منظور کسب تمایز نسبت به سایر رقبای خود تمایل به افشای اطلاعات غیرمالی شرکتی دارند. همچنین سرمایه‌گذاران توجه خاصی به این نوع سرمایه‌گذاری از خود نشان می‌دهند. از سوی دیگر در سال‌های اخیر تحقیقات زیادی نشان دادند که هیئت‌مدیره و ویژگی‌های آن نقش مهمی را در تصمیمات مربوط به افشای پایداری از سوی شرکت‌ها دارند. هیئت‌مدیره به عنوان متولی ارائه اطلاعات به بازار سرمایه می‌تواند با گزارشگری فراتر از مسائل مالی زمینه پاسخگویی و شفافیت اطلاعات بیشتر را برای واحد تجاری فراهم آورد تا از این طریق زمینه‌ساز دستیابی به پایداری بلندمدت و دائمی برای شرکت‌ها شود.

مطابق با مبانی نظری یکی از دلایل مهم تقاضا برای افشای اطلاعات غیرمالی، به مسائل نمایندگی و عدم تقارن اطلاعات مربوط است (حنیفا و کوک^۴، ۲۰۰۵). طبق تئوری نمایندگی به دلیل تضاد منافع بین مدیران و مالکان، مالکان در پی انعقاد قراردادهایی جهت کمینه نمودن این تضاد منافع هستند. از سوی دیگر بر اساس تئوری نمایندگی هیئت مدیره شرکت‌ها زمانی به افشای اختیاری می‌پردازند که این اقدام موجب افزایش رفاه شخصی آنها شود (نیکلاس و زوراکیس^۵، ۲۰۱۲). لذا، برای نظارت بر قراردادهای نمایندگی باید شرکت مخارجی را متحمل شود که این موضوع می‌تواند سبب کاهش پاداش مدیران شود. بنابراین، مدیران برای کمینه نمودن هزینه‌های نظارت بر نمایندگی، این انگیزه را پیدا می‌کنند تا اطلاعات حسابداری را به شکل قابل اتکا و به موقع در اختیار افراد برون سازمانی قرار دهند. افشای اطلاعات کامل مالی و غیرمالی می‌تواند منجر به کاهش هزینه‌های نظارت بر نمایندگی شده و جریانهای نقدی مربوط به سهامداران و ارزش شرکت را افزایش دهد (لانگ و همکاران^۶، ۲۰۱۲). بنابراین، انتظار می‌رود که ویژگی‌های هیئت مدیره برای تصمیم‌گیری در راستای کاهش هزینه نمایندگی و هزینه‌های قراردادهای جلب اعتماد سهامداران، عاملی برای افشای اختیاری اطلاعات زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی باشد.

علی‌رغم اهمیت این نوع گزارشگری در سایر کشورها، در ایران این نوع گزارشگری تاکنون جنبه داوطلبانه داشته است. به همین جهت با توجه به ضرورت این نوع گزارشگری لازم است که موضوع گزارشگری پایداری و عوامل مؤثر بر آن در بازار نوظهور ایران مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به ماهیت دولتی اکثر شرکت‌ها و ساختار هیئت مدیره متفاوت در شرکت‌های ایرانی نسبت به سایر شرکت‌های کشورهای دیگر، مطالعه در مورد تأثیر ویژگی‌های هیئت مدیره بر گزارشگری پایداری می‌تواند از زمینه‌های تحقیقاتی مناسب و ضروری باشد. بر همین اساس تحقیق حاضر درصدد است تا برای اولین بار به بررسی ساختار هیئت مدیره بر میزان گزارشگری پایداری از بعد غیرمالی در شرکت‌های

ایرانی پردازد. به عبارت دیگر ویژگی‌های ساختار هیئت‌مدیره که شامل ابعاد نسبت غیرموظف بودن اعضای هیئت‌مدیره (استقلال هیئت‌مدیره)، میزان تحصیلات اعضای هیئت‌مدیره، دوگانگی وظیفه مدیرعامل، نسبت ثبات اعضای هیئت‌مدیره، نسبت زنان در هیئت‌مدیره، نسبت مالکیت اعضای هیئت‌مدیره و تعداد جلسات هیئت‌مدیره است چگونه بر عملکرد گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی تأثیر می‌گذارد. لذا، سؤال اصلی پژوهش این است که آیا ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر میزان گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی شرکت‌ها اثر دارد؟ و کدام ویژگی‌ها بیشترین تأثیر را بر میزان گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی دارند؟ بنابراین، انتظار می‌رود نتایج این پژوهش بتواند نوآوری و دانش‌افزایی علمی به شرح زیر داشته باشد:

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در مطالعات داخلی انجام شده، تاکنون به ابعاد زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکت‌ها به طور همزمان به عنوان ابعاد غیرمالی گزارشگری پایداری و همچنین مجموعه ویژگی‌های هیئت‌مدیره مؤثر بر این نوع گزارشگری از طریق روش معادلات ساختاری پرداخته نشده است؛ لذا نتایج پژوهش می‌تواند موجب بسط مبانی نظری پژوهش‌های گذشته در حوزه مطالعات پایداری در کشورهای در حال توسعه نظیر ایران شود. همچنین شواهد این پژوهش نشان می‌دهد که تا چه اندازه هر یک از ویژگی‌های هیئت‌مدیره توانسته است بر افشای جنبه غیرمالی پایداری (شامل ابعاد زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی) اثرگذار باشد و این موضوع می‌تواند موجب درک بهتر سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری از تأثیر نوع هیئت‌مدیره بر پایداری بلندمدت شرکت‌ها شده و در تصمیم‌گیری آنها راهگشا باشد. در نهایت استفاده از روش معادلات ساختاری به عنوان یک روش تحلیل چندمتغیره برای آزمودن روابط پیچیده را می‌توان از دیگر نوآوری‌های پژوهش حاضر در این گروه از مطالعات برشمرد.

لذا، در ادامه پژوهش به مبانی نظری و پیشینه پژوهش پرداخته می‌شود و سپس روش پژوهش ارائه می‌شود و در انتها به یافته‌های پژوهش به همراه نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها پژوهش پرداخته می‌شود.

مبانی نظری پژوهش

گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی

در ادبیات مالی، پایداری شرکتی به همه فعالیت‌ها و استراتژی‌هایی اطلاق می‌شود که نیازهای ذینفعان را برآورده می‌کند و در عین حال منابع انسانی و طبیعی مورد نیاز آیندگان را نیز حفظ می‌کند. پایداری شرکتی، مفهومی کلی است که مفاهیم دیگری چون مسئولیت اجتماعی شرکتی و راهبری شرکتی و ... را در خود جای داده است. پایداری در سطح شرکت‌ها اشکال مختلفی را به خود گرفته و به روش‌های متعددی تعریف شده است؛ ولی هنوز هیچ اتفاق آرایی برای تعریف خاص وجود ندارد (چن و فان^۷، ۲۰۱۱). محققان معتقدند در حالی که تحقیقات زیادی در نیم قرن گذشته انجام شده است (کلدینسکی^۸، ۲۰۱۰)؛ ولی هیچ تعریف بین‌المللی از پایداری شرکت‌ها وجود ندارد (روکا و سرسی^۹، ۲۰۱۲). کیرون^{۱۰} (۲۰۱۳) معتقد است گزارش پایداری علاوه بر اطلاعات مالی به افشای اطلاعات غیرمالی می‌پردازد. وی اطلاعات غیرمالی را شامل اطلاعات زیست‌محیطی، اطلاعات اجتماعی و اطلاعات راهبری شرکتی می‌داند.

طبق نظریه قرارداد اجتماعی شرکت‌ها با جامعه قراردادی اجتماعی دارند تا وظایف مشخصی را بر اساس عدالت و طبق انتظارات صریح و قطعی شمار زیادی از افراد جامعه درباره رفتار و عملکرد واحد تجاری انجام دهند (حنیفا و همکاران^{۱۱}، ۲۰۰۵). لذا، شرکت‌ها برای کسب مشروعیت سازمانی به افشای اطلاعات غیرمالی می‌پردازند. علاوه بر این مدیران شرکت‌ها طبق نظریه نمایندگی در جهت کاهش هزینه‌های نظارت و نمایندگی و جلب اعتماد سرمایه‌گذاران به افشای داوطلبانه زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی می‌پردازند (رضایی^{۱۲}، ۲۰۱۷).

در ادبیات حسابداری روش‌های مختلفی جهت ارزیابی شرکت‌ها از لحاظ میزان رعایت و افشای الزامات پایداری پدید آمده است. یکی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین روش‌های اصلی برای ارزیابی عملکرد پایداری به کمک شاخص‌ها است (بل و مورس^{۱۳}، ۲۰۰۸). برخی محققان تلاش کرده‌اند تا با مطالعه الزامات مؤسسات و سازمان‌های بین‌المللی، چهارچوب‌های هنجاری، دستورالعمل‌های مدیریتی و سیستم‌های رتبه‌بندی موجود در زمینه گزارشگری پایداری به مجموعه‌ای از شاخص‌های کلی دست پیدا کنند (روکا و سرسی، ۲۰۱۲؛ استرزو و ایوانت^{۱۴}، ۲۰۱۳؛ ویلارد و همکاران^{۱۵}، ۲۰۱۵؛ رهداری و رستمی انواری^{۱۶}، ۲۰۱۵). در این پژوهش از چک‌لیست معیارهای زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی تحقیق فخاری و همکاران (۱۳۹۶) که بر مبنای شاخص‌های کلی حاصل از بررسی تحقیقات پیشین تعیین شده‌اند استفاده شده است.

ویژگی‌های هیئت‌مدیره

در حال حاضر مدیریت نه تنها در معرض کارآیی عملیات مؤسسه تحت تصدی خود مسئول است بلکه در مقابل هر آنچه که در مورد مشکلات بیشمار اجتماعی انجام می‌دهد نیز مسئول است (خوش‌طینت، ۱۳۷۴). برای اینکه هیئت‌مدیره وظیفه خود را به نحو احسن در راستای گزارشگری پایداری از بعد غیرمالی انجام دهد، ویژگی‌های هیئت‌مدیره مورد بررسی قرار می‌گیرد.

- مدیران غیرموظف در هیئت‌مدیره: بر اساس تئوری نمایندگی، مدیران شرکت ممکن است تابع مطلوبیت خود را به قیمت زیرپاگذاری منافع سهامداران حداکثر نمایند. از این رو سهامداران کنترل و نظارت بر مدیریت شرکت را به هیئت‌مدیره واگذار می‌کنند (فاما و جنسن^{۱۷}، ۱۹۸۳). هر چه هیئت‌مدیره از افراد مستقل‌تری تشکیل شده باشد مشکلات نمایندگی کمتر می‌شود. مدیران موظف شاید نتوانند وظایف نظارتی خود را به نحو اثربخش انجام دهند. برخلاف مدیران موظف، مدیران غیرموظف از مدیریت شرکت مستقل هستند و به همین دلیل در ایفای نقش نظارتی خود برای گزارشگری با جزئیات کامل مؤثر عمل می‌کنند. درصد بالای مدیران غیرموظف در هیئت‌مدیره موجب افزایش

گزارشگری داوطلبانه می‌شود. آن‌ها معمولاً در فعالیتهای تجاری روزانه شرکت نقشی ندارند. نقش هیئت‌مدیره، نظارت بر تصمیمات مدیریت است. افزایش درصد مدیران غیرموظف در هیئت‌مدیره به نظارت بهتر بر فعالیتهای اعضای هیئت‌مدیره و محدود کردن فرصت‌طلبی‌های آنها منجر می‌شود. مدیران غیرموظف ممکن است برای تضمین تجانس بین فعالیتهای سازمان و ارزش‌های اجتماعی یا کسب مشروعیت سازمانی (حنیفا و کوک، ۲۰۰۵) شرکت‌ها را به افشای اطلاعات بیشتری برای سرمایه‌گذاران تشویق کنند. نتایج تجربی نیز نقش اعضای غیرموظف را برای افشای مسائل غیرمالی را تأیید می‌کند. تحقیقات سان و لین^{۱۸} (۲۰۱۲) به این نتیجه رسید که افزایش در تعداد مدیران غیرموظف میزان افشای غیرمالی را افزایش می‌دهد. ولی هجی^{۱۹} (۲۰۱۳) بین اعضای غیرموظف شرکت‌ها با میزان افشای غیرمالی شرکت‌ها رابطه‌ای نیافت. برامر و پاولین^{۲۰} (۲۰۰۸) به این نتیجه رسید مدیران غیراجرایی بیشتر در هیئت‌مدیره موجب افشای بیشتر مسائل زیست‌محیطی می‌گردد. به طور کلی فرض بر این است که درصد بالای اعضای غیرموظف در ترکیب هیئت‌مدیره بر میزان افشای غیرمالی اثر دارد.

- دوگانگی وظیفه مدیر عامل: اشاره به وضعیتی دارد که یک نفر به طور همزمان در مقام مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره باشد. از دیدگاه نظری هنگامی که مدیرعامل در جایگاه رئیس هیئت‌مدیره قرار می‌گیرد، تضاد منافع به وجود می‌آید و عملکرد نظارتی هیئت‌مدیره کاهش می‌یابد. ترکیب نقش ریاست هیئت‌مدیره و مدیرعامل، مبین عدم جدایی کنترل و نظارت از مدیریت است (فاما و جنسن، ۱۹۸۳). از این رو ادبیات تئوریک بیان می‌کند که جدایی جایگاه مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره به دلیل افزایش عملکرد نظارتی موجب بهبود گزارشگری شرکت‌ها با جزئیات کامل در دو بعد مالی و غیرمالی می‌شود (جیانیا راکیس^{۲۱}، ۲۰۱۴). السید^{۲۲} (۲۰۰۷) نشان داد که اثر دوگانگی مدیرعامل روی عملکرد غیرمالی شرکتی براساس نوع صنعت فرق می‌کند، چون اختلافات کمتری رخ می‌دهد. در ایالات متحده امریکا، اعضای قانونگذار و سرمایه‌گذاران، جداسازی بین

نقش مدیرعامل و وظایف رئیس را توصیه می‌کنند؛ چون شرکت‌هایی که مدیرعامل و رئیس یکسان دارند از راهبری شرکتی ضعیف رنج می‌برند (چن و همکاران^{۳۳}، ۲۰۰۸). چنگ و کورتای^{۲۴} (۲۰۰۶) نشان دادند که دوگانگی مدیرعامل با سطح افشای غیرمالی در شرکت‌های ثبت شده در بورس سهام سنگاپور ارتباط معناداری در سال ۲۰۰۰ دارد. هوافانگ و چیانگو^{۲۵} (۲۰۰۷) نشان دادند که دوگانگی مدیرعامل موجب افشای کمتر داوطلبانه غیرمالی در شرکت‌های چینی می‌شود. به عنوان یک راه حل، جداسازی مدیرعامل از رئیس هیئت‌مدیره و قراردادن یک عضو بیرونی با تجربه بالا می‌تواند توصیه شود. لذا، فرض می‌شود اینکه مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره یکسان باشد یا نباشد بر نمره افشای غیرمالی اثر خواهد گذاشت.

- حضور زنان در هیئت‌مدیره: حضور زنان در هیئت‌مدیره را می‌توان نوعی تنوع در هیئت‌مدیره در نظر گرفت. تجربیات زنان می‌تواند هیئت‌مدیره را مجبور به برآوردن انتظارات مشتریان در سطح وسیع و تثبیت مدیریت سهامداران کند (دیلی و دالتون^{۲۶}، ۲۰۰۳). بنابراین، اجرای طرح‌های افشای غیرمالی، عملی‌تر می‌شود. در نتیجه هیئت‌مدیره‌های شرکت‌های با مسئولیت اجتماعی به طور معنادار زنان بیشتری نسبت به هیئت‌مدیره‌های بدون مسئولیت اجتماعی دارند (وب^{۲۷}، ۲۰۰۴). همچنین حضور زنان در هیئت‌مدیره می‌تواند استقلال هیئت‌مدیره را افزایش دهد (ایسکرا^{۲۸}، ۲۰۱۰). حضور زنان در هیئت‌مدیره می‌تواند دیدگاه‌های منحصر به فرد و متفاوت و سبک‌های ارتباطی خاص ایجاد کند که این سبک‌ها منجر به مشارکت بیشتر و ترویج فرآیندگرایی خواهد شد (دیلی و دالتون، ۲۰۰۳). ویلیامز^{۲۹} (۲۰۰۶) در پژوهش خود نشان داد که بین زنان در هیئت‌مدیره و میزان فعالیت‌های بشردوستانه شرکت در بخش اجتماعی ارتباط مستقیم وجود دارد. او معتقد است زنان انگیزه خیرخواهانه‌تری نسبت به مردان دارند. وجود زنان در هیئت‌مدیره نقش مهمی در شهرت شرکت از طریق مشارکت آنها در افشای مسائل غیرمالی دارد (بیسر و همکاران^{۳۰}، ۲۰۱۰). وانگ و کوفی^{۳۱} (۱۹۹۲) اظهار داشتند که وجود زنان و دیگر

مدیران اقلیت باعث عمل گرایی اجتماعی بیشتر شرکت می شود. **جانیاراکیس (۲۰۱۴)** به این نتیجه رسید که حضور بیشتر زنان در هیئت مدیره میزان افشای زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی را افزایش می دهد. **کیو و همکاران^{۳۳} (۲۰۱۶)** نیز به این نتیجه رسیدند که حضور زنان در هیئت مدیره، میزان افشای غیرمالی را افزایش می دهد. بنابراین، براساس مطالعات فوق انتظار می رود که وجود زنان در هیئت مدیره بر میزان افشای غیرمالی اثر بگذارد.

- میزان تحصیلات هیئت مدیره: هیئت مدیره برای نظارت بر مدیریت و مشارکت در تصمیم گیری، نیازمند سطح آموزش بالاتر است. اعضای هیئت مدیره ای که در معرض آموزش بیشتر قرار گرفته اند توانایی بیشتری در گزارشگری داوطلبانه به دلیل درک منافع حاصل از آن در بلندمدت دارند (**باسو و کومار^{۳۳}، (۲۰۰۷)**). لذا، سطح آموزش هیئت مدیره می تواند توانایی شرکت را در پیاده سازی گزارشگری داوطلبانه غیرمالی را نشان دهد. نوع مدرک اعضای هیئت مدیره می تواند به عنوان ملاک آموزش آنها در نظر گرفته شود (**باسو و کومار، (۲۰۰۷)**). **لو و انبوموزی^{۳۴} (۲۰۰۹)** به این نتیجه رسیدند که افزایش آموزش موجب افزایش گزارشگری غیرمالی می شود. **باسو و کومار (۲۰۰۷)** سطح آموزش را موجب افزایش افشای داوطلبانه شرکت ها می دانند. لذا، فرض می شود سطح آموزش اعضای هیئت مدیره (سطح تحصیلات) بر میزان افشای غیرمالی اثر خواهد داشت.

- نسبت ثبات در هیئت مدیره: تغییر هیئت مدیره شامل هر گونه جابجایی در هیئت مدیره اعم از جابجایی یک و یا بیشتر از یک عضو هیئت مدیره سال گذشته با یک فرد جدید یا بیشتر در سال جاری که قبلاً در هیئت مدیره شرکت نبوده باشد، می گردد. سالهای عضویت در هیئت مدیره به عنوان یک تقریب برای تجربه تجاری هیئت مدیره محسوب می شود (**آندرسون و همکاران^{۳۵}، (۲۰۰۴)**). **بیلیمو راو پیدریت^{۳۶} (۱۹۹۴)** خاطر نشان کردند که هیئت مدیره با تجربه تر دارای بلوغ بالاتری هستند. **ولی موس و دونالدسون^{۳۷} (۱۹۹۸)** بیان کردند که هیئت مدیره ای که تجربه بیشتری دارند، حالت محافظه کارانه تر

دارند. پس هیئت‌مدیره کم‌تجربه به صورت مؤثرتری مخاطرات تجاری را ارزیابی می‌کنند. بنابراین، به احتمال بیشتر طرح‌های پایداری شرکتی را رعایت خواهند کرد. پس فرض می‌شود که حضور متناوب هیئت‌مدیره بر میزان افشاء غیرمالی تأثیر می‌گذارد.

- تعداد جلسات هیئت‌مدیره: جلسات هیئت‌مدیره مکانی است که در آن مدیران اجرایی و اعضای هیئت‌مدیره اطلاعات خود در مورد شرکت، سیاست‌ها و طرح‌های آن از جمله مسائل اجتماعی، محیطی و راهبری شرکتی رامطرح می‌کنند و به اشتراک می‌گذارند (لاکسمانا^{۳۸}، ۲۰۰۸). به عبارت دیگر افزایش تعداد جلسات هیئت‌مدیره یک روش ساده جهت افزایش ارزش شرکت است که این هدف می‌تواند با تصمیم‌گیری در مورد افشای اطلاعات پایداری در جلسات هیئت‌مدیره تأمین شود (جیانیا راکیس، ۲۰۱۴). برخی شرکت‌ها با محدودیت‌هایی جهت توسعه سیاست‌های افشای غیرمالی در ارتباط با فعالیت‌های کسب و کار خود روبرو هستند، از جمله فقدان فرهنگ سازمانی مناسب، مشکلات در تولید اطلاعات غیرمالی و ارزیابی آن، انتظارات متضاد ذینفعان، فقدان پرسنل مناسب و غیره (جانکلوا و جانکال^{۳۹}، ۲۰۱۷). تعداد جلسه‌های هیئت‌مدیره به عنوان یک تقریب برای تلاش هیئت‌مدیره محسوب می‌شود (لاکسمانا، ۲۰۰۸). هجی (۲۰۱۳) به بررسی رابطه تعداد جلسات هیئت‌مدیره بر میزان افشای غیرمالی پرداخته است که به این نتیجه رسید که بین این دو رابطه‌ای وجود نداشته است. وافیس^{۴۰} (۱۹۹۹) معتقد است یک بعد مهم در بهبود اثر بخشی هیئت‌مدیره و سطح بررسی فعالیت‌ها، تعداد جلسات هیئت‌مدیره است. چون طرح‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی در عملیات تجاری گنجانده می‌شود، انتظار می‌رود که راهبرد و خط مشی زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری در هر جلسه هیئت‌مدیره مورد بحث قرار گیرد. در صورتی که هیئت‌مدیره بتواند در برقراری جلسات خود مؤثر عمل کند بسته به محیط شرکت می‌تواند منافع گزارشگری مالی و غیرمالی را با توجه به تئوری نمایندگی کسب کنند. لذا، فرض می‌شود تعداد جلسات هیئت‌مدیره، بر میزان افشاء غیرمالی اثر دارد.

- اندازه هیئت‌مدیره: ادبیات تئوریک دو دیدگاه متضاد پیرامون نقش اندازه هیئت‌مدیره بر میزان افشای شرکت ارائه نموده است: دیدگاه اول بیان می‌کند هنگامی که هیئت‌مدیره از تعداد زیاد تشکیل شده باشد مشکلات نمایندگی افزایش می‌یابد. زیرا تعداد زیادی از اعضای هیئت‌مدیره ممکن است به عنوان افراد بی‌منفعت عمل کنند (هرمالین و ویسبک^{۴۱}، ۲۰۰۳). ضمناً طرح‌ریزی، هماهنگی تیمی، تصمیم‌گیری و برگزاری جلسات منظم برای یک هیئت‌مدیره بزرگ دشوار است (جنسن^{۴۲}، ۱۹۹۳). یک هیئت‌مدیره بزرگ توانایی ایفای وظایف خود را به نحو احسن از دست می‌دهد و بیشتر در جایگاهی سمبولیک قرار می‌گیرد (هرمالین و ویسبک^{۴۳}، ۲۰۰۳). لذا، ممکن است شرکت‌های دارای هیئت‌مدیره بزرگتر، کمتر به کیفیت افشای مسائل غیرمالی بها دهند. از طرف دیگر هیئت‌مدیره کوچکتر از مزیتها و منافع نظرات و پیشنهادات شخصی و متنوع که در هیئت‌مدیره بزرگ وجود دارد، محروم است و ممکن است در بین این تعداد کم افرادی که تمایل به افشای مسائل غیرمالی داشته باشند کمتر باشد. جنسن (۱۹۹۳) نشان داد که افزایش تعداد هیئت‌مدیره، سبب کمتر شدن هماهنگی و افزایش مشکلات در کنترل توسط مدیرعامل می‌شود. سعید و همکاران^{۴۴} (۲۰۰۹) ارتباط منفی بین اندازه هیئت‌مدیره و میزان افشای غیرمالی شرکت‌های دولتی مالزی را رد کردند. سیرگار و پاچتیار^{۴۵} (۲۰۱۰) دریافتند که میزان افشای مسئولیت اجتماعی شرکتی یک ارتباط مثبت و غیرخطی با اندازه هیئت‌مدیره دارد. موهذ غزالی^{۴۶} (۲۰۰۷) تحقیق کردند که آیا اندازه هیئت‌مدیره بر میزان افشای زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری در شرکت‌های دولتی مالی تأثیر می‌گذارد یا نه. نتایج نشان داد که اندازه هیئت‌مدیره ارتباط مثبتی با میزان افشای زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی دارد. ایسکرا (۲۰۱۰) به این نتیجه رسید که هیئت‌مدیره بزرگتر به دلیل منابع متنوع با چالش‌های کلی به طور مؤثرتر و کارا تر مبارزه خواهد کرد. جیانباراکیس (۲۰۱۴) به این نتیجه رسید اندازه هیئت‌مدیره با میزان افشای زیست‌محیطی و

اجتماعی و راهبری شرکتی رابطه مثبت دارد. پس با توجه به تحقیقات فرض می‌شود که اندازه هیئت‌مدیره بر میزان افشاء غیرمالی اثر دارد.

- مالکیت مدیران: تئوری نمایندگی انواع مشکلات موضوع تفکیک مالکیت از مدیریت و مکانیزم‌های مناسب برای رفع آن را توصیف می‌کند. از جمله این مشکلات عدم تلاش مدیریت برای اقدام در جهت بهترین منافع مالکان و همچنین عدم تقارن اطلاعاتی بین مالکان و مدیران است. مالکیت سهام از مکانیزم‌هایی است که دارای اثر انگیزی برای همسوسازی منافع مدیران و مالکان است. با این حال، اگر سطح مالکیت اعضای هیئت‌مدیره اجازه تمرکز قدرت را به آنها بدهد و عوامل انگیزی اندک باشد دوباره تضاد منافع ایجاد می‌شود. نگهداری سهام قابل توجهی توسط مدیران منجر به کمتر درگیر شدن اصول نمایندگی می‌شود. (جنسن، ۱۹۷۶) بنابراین، موجب کاهش فشار لازم برای ارائه اطلاعات غیرمالی اضافی توسط شرکت می‌شود (هجی، ۲۰۱۳). موهده غزالی (۲۰۰۷) معتقد است که مدیران اینگونه شرکت‌ها به طور وسیعی در فعالیت‌های غیرمالی به دلیل فزونی مخارج بر منافع بالقوه آن، شرکت نمی‌کنند. برامر و پاولین (۲۰۰۸) به این نتیجه رسیدند که نوع مالکیت تأثیر زیادی بر افشای غیرمالی پایداری دارد. لذا، فرض می‌شود که مالکیت مدیران بر میزان افشای غیرمالی اثر دارد.

با توجه به آنچه بیان شد، این پژوهش دارای یک فرضیه کلی است که به صورت زیر بیان می‌شود:

فرضیه: ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر میزان گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی اثر دارد.

این فرضیه در قالب ۸ فرضیه فرعی زیر بیان می‌شود:

فرضیه فرعی ۱: نسبت زنان در هیئت‌مدیره بر میزان گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی اثر دارد.

فرضیه فرعی ۲: نسبت ثبات اعضای هیئت مدیره بر میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی اثر دارد.

فرضیه فرعی ۳: میزان تحصیلات هیئت مدیره بر میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی اثر دارد.

فرضیه فرعی ۴: دوگانگی وظیفه مدیرعامل بر میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی اثر دارد.

فرضیه فرعی ۵: نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره بر میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی اثر دارد.

فرضیه فرعی ۶: نسبت مالکیت هیئت مدیره بر میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی اثر دارد.

فرضیه فرعی ۷: اندازه هیئت مدیره بر میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی اثر دارد.

فرضیه فرعی ۸: تعداد جلسات هیئت مدیره بر میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی اثر دارد.

پیشینه تجربی پژوهش

خان^{۴۶} (۲۰۱۰) در مطالعه بانک‌های تجاری خصوصی بنگلادش ویژگی‌های مدیران شرکتی را بر میزان افشاء مسئولیت اجتماعی شرکتی برای سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۷ را بررسی نمود. شاخص افشاء مسئولیت اجتماعی شرکتی با استفاده از روش تحلیل محتوایی براساس ۶۰ قلم افشاء، محاسبه شد و تحلیل رگرسیون چندمتغیره برای تست فرضیه‌ها مورد استفاده قرار گرفت که پنج متغیر توصیفی را مد نظر قرار داد. مدیران غیر اجرایی و وجود ملیت‌های خارجی در هیئت مدیره، ارتباط مثبت و معناداری با میزان افشاء مسئولیت اجتماعی شرکتی داشت. سیرگار و پاچتیار (۲۰۱۰) در شرکت‌های بورس سهام اندونزی به بررسی ویژگی‌های شرکتی براساس افشاء مسئولیت اجتماعی شرکتی ۸۷ شرکت دولتی در سال

۲۰۰۳، تمرکز کردند. روش تحلیل محتوا و رگرسیون خطی برای سنجش شاخص افشاء مسئولیت اجتماعی شرکتی و تحلیل روابط بین عوامل تعیین کننده میزان افشاء مسئولیت اجتماعی شرکتی مورد استفاده قرار گرفت. هم هیئت‌مدیره و هم اندازه شرکت اثر مثبتی روی میزان افشاء مسئولیت اجتماعی شرکتی داشتند.

هجی (۲۰۱۳) به بررسی اثر متغیرهای مدیران اجرایی غیرمستقل، سائز هیئت‌مدیره، تعداد جلسات هیئت‌مدیره، میزان مالکیت دولت، میزان مالکیت مدیران، تمرکز مالکیت و سائز شرکت بر افشای بعد غیرمالی پایداری پرداخت. نتایج نشان داد میزان مالکیت دولت، میزان مالکیت مدیران، تمرکز مالکیت و سائز شرکت، رابطه معناداری با میزان افشای پایداری از بعد غیر مالی دارند. **جیانیاراکیس (۲۰۱۴)** به بررسی اثر متغیرهای دوگانگی مدیر عامل، میزان زنان هیئت‌مدیره، اهرم مالی، سطح ریسک، شرکت‌های دارای طرح کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، سطح برآورد GHG بر میزان افشای زیست‌محیطی و اجتماعی و راهبری شرکتی با استفاده از شاخص بلومبرگ شرکت‌ها پرداخت. نتایج نشان داد تمام متغیرها به جز شرکت‌های دارای طرح کاهش انتشار گاز گلخانه‌ای رابطه معناداری با افشای زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی دارند.

ولت^{۴۷} (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان زنان در هیئت‌مدیره و عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی با نمونه‌ای از شرکت‌های آلمانی و استرالیایی برای اندازه‌گیری عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری از شاخص اسست چهار (ASSE4) تامسون‌رویترز استفاده کرد. نتایج نشان داد اعضای زن در هیئت‌مدیره تأثیر مثبت بر عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی دارد. **کیو و همکاران (۲۰۱۶)** به بررسی رابطه استقلال هیئت‌مدیره، دوگانگی هیئت‌مدیره، تجربه کمیته حسابرسی، کساد مالی، سودآوری، سائز، نگهداری سهام بلو که شده با میزان گزارشگری غیرمالی شرکت‌ها پرداختند. نتایج نشان داد که فقط سائز شرکت و تجربه کمیته حسابرسی، رابطه مثبت و

میزان سهام بلوکه شده، رابطه منفی با میزان افشای غیرمالی پایداری دارد و سایر متغیرها رابطه معناداری نداشتند.

مهدوی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله بررسی رابطه بین اندازه شرکت، نوع صنعت و سودآوری با افشای اطلاعات حسابداری زیست محیطی و اجتماعی به بررسی رابطه بین سطح افشای اطلاعات زیست محیطی و اجتماعی با برخی ویژگی‌های شرکت پرداخته است. برای اندازه‌گیری سطح افشای اطلاعات زیست محیطی و اجتماعی از شاخص غیروزی استفاده شد. پژوهش بیانگر آن است که بین اندازه شرکت با سطح افشای اطلاعات زیست محیطی و اجتماعی رابطه معنادار مثبت وجود دارد، اما بین سطح افشای اطلاعات زیست محیطی، اجتماعی و سودآوری رابطه معنادار آماری وجود ندارد. بر خلاف انتظار پژوهشگران سطح افشای اطلاعات زیست محیطی و اجتماعی شرکت‌هایی که در صنایع حساس فعالیت می‌کنند کم‌تر از شرکت‌هایی است که در صنایع غیرحساس فعالیت می‌کنند.

مران جویری و علی‌خانی (۱۳۹۳) در مقاله افشای مسئولیت‌های اجتماعی و راهبری شرکتی به بررسی رابطه بین سطح افشای اطلاعات زیست محیطی و اجتماعی با دو سازوکار راهبری شرکتی؛ یعنی سرمایه‌گذاران نهادی و مدیران غیرموظف در شرکت‌های ایرانی می‌پردازد. یافته‌ها بیانگر آن است که بین اندازه شرکت با سطح افشای اطلاعات زیست محیطی و اجتماعی رابطه معنادار مثبتی وجود دارد، اما بین سطح افشای اطلاعات زیست محیطی، اجتماعی و سرمایه‌گذاران نهادی و مدیران غیرموظف، رابطه معناداری مشاهده نشد.

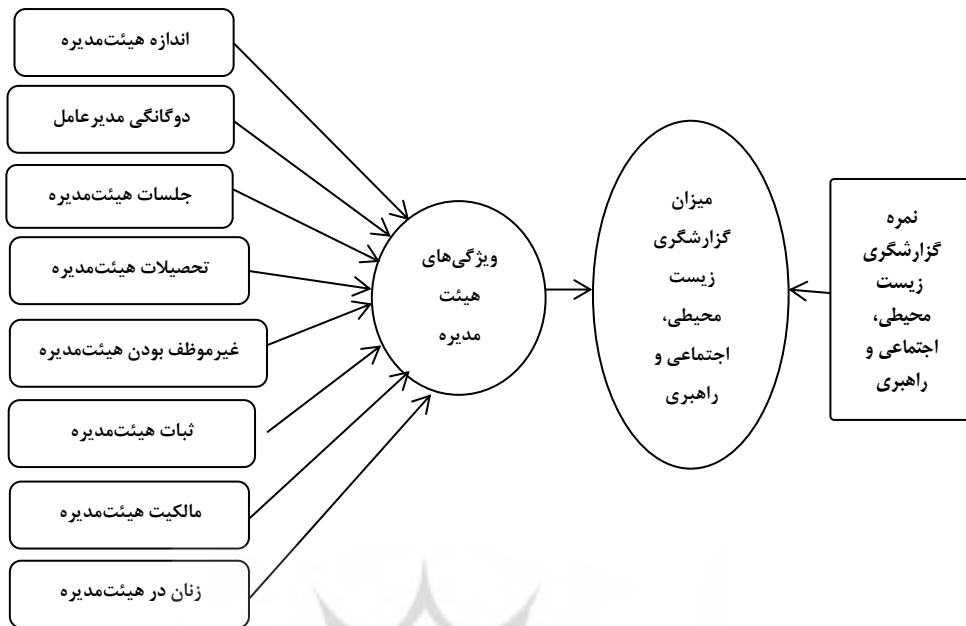
فخاری و همکاران (۱۳۹۶) به تبیین الگویی برای رتبه‌بندی شرکت‌ها از لحاظ میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی به روش تحلیل سلسله‌مراتبی در ایران پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان داد ابتدا بعد افشای اجتماعی، سپس بعد افشای زیست محیطی و در نهایت بعد افشای راهبری شرکتی از نظر خبرگان اهمیت دارند.

همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد افشای اطلاعات راهبری شرکتی در گزارش‌های شرکت‌های ایرانی طی سالهای مورد مطالعه روند صعودی داشته است؛ در حالی که افشای اطلاعات زیست‌محیطی و اجتماعی و در نهایت افشای زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی روند متغیری داشته است. سطح پایین افشای ابعاد زیست‌محیطی و اجتماعی و راهبری در شرکت‌های ایرانی، نشان‌دهنده شکاف وضعیت موجود از انتظارات خبرگان است.

صبحی و محمدزاده (۱۳۹۷) به بررسی رابطه بین عملکرد اجتماعی، ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی پرداخته‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که بین تمرکز مالکیت، مالکیت نهادی، استقلال هیئت‌مدیره، اندازه شرکت، اهرم مالی و مسئولیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. اما بین اندازه هیئت‌مدیره، دوگانگی وظیفه مدیرعامل، نرخ بازده دارایی، نقدینگی و مسئولیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. **یلویی خمسلویی و همکاران (۱۳۹۷)** به بررسی تأثیر میزان شاخص‌های پایداری افشا شده بر کیفیت سود پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که میزان شاخص‌های پایداری افشا شده به صورت جامع تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت سود دارد.

الگوی مفهومی پژوهش

چارچوب الگوی مفهومی مطالعه حاضر در شکل ۱ بر اساس رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری ترسیم شده است. در این الگو اندازه‌گیری ویژگی‌های هیئت‌مدیره دارای چندین شاخص شامل متغیرهای اندازه هیئت‌مدیره، دوگانگی وظیفه مدیرعامل، نسبت زنان در هیئت‌مدیره، نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره، نسبت ثبات اعضای هیئت‌مدیره، میزان تحصیلات هیئت‌مدیره، نسبت مالکیت هیئت‌مدیره و تعداد جلسات هیئت‌مدیره است. متغیر میزان گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی به عنوان متغیر وابسته در الگوی ساختاری پژوهش نشان داده شده است. در این الگو، بر اساس معادلات ساختاری، شکل بیضی معرف متغیرهای پنهان و شکل مستطیل معرف متغیرهای مشاهده‌پذیر است.



شکل ۱. الگوی اولیه پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر طبقه‌بندی بر اساس هدف، از نوع کاربردی و به لحاظ نوع پژوهش، شبه تجربی توصیفی (غیرآزمایشی) و از زمره پژوهش‌های پس‌رویدادی است. پژوهش پس‌رویدادی به پژوهشی اطلاق می‌شود که روابط احتمالی علت و معلولی را از طریق مشاهده شرایط موجود مورد مطالعه قرار می‌دهد که این موارد در گذشته اتفاق افتاده و قابل دستکاری نیستند. از نظر نوع استدلال نیز این پژوهش از نوع استقرایی است که با استفاده از مشاهده اجزایی از جامعه نسبت به ارائه الگویی برای کل جامعه اقدام می‌نماید. این پژوهش از نظر تئوری، پژوهشی اثباتی است که سعی دارد با بررسی آنچه موجود است رفتار آینده متغیر را پیش‌بینی نماید. از جهت تحلیل آماری، این نوع پژوهش از نوع همبستگی و مبتنی بر الگوی معادلات ساختاری است. یکی از جدیدترین رویکردها در الگوی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی است این روش الگوی معادله

ساختاری واریانس محور، زمانی که سازه‌ها سازنده در مقابل سازه‌های انعکاسی وجود داشته باشد یا داده‌های مالی نرمال نباشند بسیار مناسب بوده و نتایج قابل اتکایی برای تخمین الگو ایجاد می‌کنند. مزیت مهم دیگر این رویکرد امکان استفاده از الگوی اندازه‌گیری با یک سازه است که هیچکدام از رویکردهای دیگر معادلات ساختاری این امکان را ندارند.

اطلاعات مربوط به مبانی نظری و ادبیات پژوهش از بین کتب و مقالات موجود در این زمینه و اطلاعات مربوط به متغیرهای پژوهش از سایت کدال و نرم افزار ره‌آورد نوین جمع‌آوری شده‌اند. دوره مورد تحقیق نیز یک دوره پنج‌ساله بر اساس صورتهای مالی سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ است. جامعه آماری این تحقیق شامل تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به غیر از بانک‌ها و مؤسسات مالی است که دارای شرایط زیر باشند:

۱. قبل از سال ۱۳۹۱ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
۲. پایان سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند هر سال باشد.
۳. طی این سال‌ها تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداده باشند.
۴. جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشند.
۵. گزارش‌های هیئت‌مدیره آنها در دسترس و شامل بخشی به عنوان عملکرد اجتماعی یا عملکرد زیست‌محیطی باشند.

بعد از اعمال محدودیتهای فوق ۷۹ شرکت به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. در تحلیل الگوسازی معادلات ساختاری، الگوی معادله ساختاری ترکیبی از الگوهای اندازه‌گیری (الگوهای عاملی تاییدی) و الگوهای ساختاری (الگوهای مسیر) است. تمایز بین الگوهای اندازه‌گیری و الگوهای ساختاری در گام‌های بعدی فرآیند الگوسازی معادلات ساختاری نقش مهمی را ایفا می‌کنند. در واقع ابتدا برآزش الگوی اندازه‌گیری

انجام می‌شود و سپس برآزش الگو ساختاری و در نهایت برآزش الگوی کلی صورت می‌پذیرد و سپس فرضیه‌های پژوهش مورد بررسی قرار گیرد.

اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

در الگوی معادلات ساختاری متغیرها به دو نوع آشکار (مشاهده‌پذیر) و مکنون (مشاهده‌ناپذیر) تقسیم می‌شوند. متغیرهای آشکار به صورت مستقیم توسط محقق اندازه‌گیری می‌شوند؛ ولی متغیرهای مکنون به صورت مستقیم قابل اندازه‌گیری نیستند بلکه بر اساس ترکیب خطی بین متغیرهای اندازه‌گیری شده استنباط می‌شوند. متغیر ویژگی‌های هیئت‌مدیره و میزان گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی متغیرهای مکنون در این پژوهش هستند. ویژگی‌های هیئت‌مدیره متغیر مستقل (برون‌زا) پژوهش و گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی متغیر وابسته (درون‌زا) پژوهش است.

- نحوه ارزیابی متغیرهای ویژگی‌های هیئت‌مدیره: در این پژوهش با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته پیشین در ارتباط با ویژگی‌های هیئت‌مدیره، متغیرهای مستقل انتخاب شده برای سنجش ویژگی‌های هیئت‌مدیره جهت آزمون فرضیه‌ها عبارتند از:

۱. نسبت تعداد مدیران غیرموظف: این نسبت از تقسیم تعداد اعضای غیرموظف در هیئت‌مدیره به کل اعضای هیئت‌مدیره به دست می‌آید.
۲. دوگانگی وظیفه مدیرعامل: در شرکت‌های ایرانی ممکن است علی‌رغم منع قانونی مدیرعامل در سمت رئیس یا نائب رئیس هیئت‌مدیره نیز فعالیت کند. عدم دوگانگی نقش مدیرعامل باعث افزایش نظارت هیئت‌مدیره بر فعالیت‌های مدیران می‌شود (فخاری و فقیه، ۱۳۹۶). این متغیر در صورت یکسان بودن مدیرعامل و رئیس یا نائب رئیس هیئت‌مدیره عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک در نظر گرفته شده است.
۳. نسبت ثبات هیئت‌مدیره: این نسبت از تقسیم اعضای هیئت‌مدیره‌ای که در یک سال گذشته تغییر نکرده‌اند به کل اعضای هیئت‌مدیره به دست می‌آید.

۴. نسبت تحصیلات هیئت‌مدیره: به این ترتیب که به عضو هیئت‌مدیره با مدرک دیپلم و پایین‌تر ارزش ۱، به فوق‌دیپلم ارزش ۲، به کارشناسی ارزش ۳، به کارشناسی ارشد ارزش ۴ و به مدرک دکترا ارزش ۵ اختصاص می‌یابد. سپس مجموع ارزش‌های اعضای هیئت‌مدیره بر تعداد کل اعضا تقسیم می‌گردند.

۵. نسبت زنان در هیئت‌مدیره: از تقسیم تعداد زنان به کل اعضای هیئت‌مدیره حاصل می‌شود.

۶. تعداد جلسات هیئت‌مدیره: تعداد جلسات برگزار شده در سال توسط هیئت‌مدیره.

۷. اندازه هیئت‌مدیره: تعداد مدیران در هیئت‌مدیره.

۸. نسبت مالکیت مدیران: شامل میزان سهام نگهداری شده توسط مدیران تقسیم بر کل سهام منتشر شده شرکت.

- نحوه ارزیابی متغیر میزان گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی:

در این پژوهش به منظور محاسبه متغیر وابسته از الگوی وزنی سنجش میزان گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی در شرایط بازار سرمایه ایران که از طریق نظر سنجی از خبرگان در پژوهش **فخاری و همکاران (۱۳۹۶)** به دست آمده استفاده شده است. به این ترتیب که با استفاده از چک‌لیست پژوهش مذکور به روش تحلیل محتوای گزارش‌های هیئت‌مدیره، نمره هر شاخص تعیین و با قرار دادن در الگوی وزنی، نمره گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی شرکت‌ها مشخص گردید. تحلیل محتوا یک روش کدگذاری متنی به گروه‌های مختلف با توجه به معیارهای از قبل تعیین شده است که به طور گسترده‌ای در پژوهش‌های مرتبط با گزارشگری غیر مالی کاربرد دارد. الگوی وزنی مورد استفاده در این پژوهش (برگرفته از پژوهش **فخاری و همکاران، (۱۳۹۶)** به شرح زیر است:

$$ESG = 0/337 E + 0/388 S + 0/275 G \quad (1)$$

که در رابطه ۱، ESG: نمره میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی، E: نمره بعد زیست محیطی، S: نمره بعد اجتماعی و G: نمره بعد راهبری شرکتی است. در جدول شماره ۱ شاخص های زیرمجموعه ابعاد گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی آورده شده است:

جدول شماره ۱. شاخص های زیرمجموعه زیست محیطی و اجتماعی و راهبری

شاخص های راهبری شرکتی	شاخص های زیست محیطی	شاخص های اجتماعی
۱. رعایت حقوق سهامداران	۱. آلایندگی و آلودگی، ضایعات	۱. سلامت و امنیت و بهره وری
۲. کمیته ها	۲. انرژی، بهره وری، آب	۲. حقوق نیروی کار
۳. مدیریت ریسک	۳. تنوع زیستی	۳. ادراک اجتماعی ذینفعان
۴. جبران عملکرد	۴. تغییر آب و هوا	۴. سلامت تولید
۵. اخلاق و اصول رفتاری	۵. ارزیابی ریسک محیطی	۵. عدم تبعیض و شمول اجتماعی
۶. شفاف سازی راهبری	۶. مسائل خدمات و زنجیره تأمین	۶. مسائل اجتماعی مشتریان و زنجیره تأمین
۷. انطباق با قوانین	۷. آموزش محیطی	۷. رعایت اصول حقوق بشر
۸. ترکیب هیئت مدیره	۸. سیستم مدیریت محیطی	۸. توسعه اجتماعی و بشردوستانه
۹. مدیریت ریسک سرمایه گذاری	۹. شفاف سازی محیطی	۹. سرمایه گذاری مسئولیت اجتماعی
		۱۰. حفظ نام تجاری و رفتار ضد رقابتی
		۱۱. یادگیری و آموزش اجتماعی
		۱۲. شفاف سازی اجتماعی

منبع: فخاری و همکاران (۱۳۹۶)

یافته های پژوهش

آمار توصیفی

جدول شماره ۲ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می دهد. طبق جدول شماره ۲ حداکثر سطح افشای زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی در یک شاخص از ۷۹ شرکت ۵۷ و حداقل آن ۱۷ است و این بیانگر پراکندگی زیاد سطح افشای زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی شرکت ها است.

جدول ۲. نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	میانگین	میان	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
اندازه هیئت‌مدیره	۳۹۵	۵/۰۲	۵	۷	۵	۰/۲۵
تعداد جلسات	۳۰۸	۱۷/۸۹	۱۵	۶۰	۹	۷/۶۲
سطح تحصیلات	۲۹۹	۳/۸۱	۳/۸	۵	۲/۶	۰/۴۹
غیرموظف بودن	۳۳۵	۰/۶۶	۰/۶	۰/۸	۰	۰/۲۲
زنان در هیئت‌مدیره	۳۹۵	۰/۰۱	۰	۰/۴	۰	۰/۰۵
ثبات هیئت‌مدیره	۳۹۵	۰/۶۸	۰/۸	۱	۰	۰/۲۷
مالکیت مدیران	۳۹۵	۶۴/۱۰	۶۹	۹۹/۴۵	۰	۲۴/۴۸
گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری	۳۹۵	۰/۲۸	۰/۲۹	۰/۵۷	۰/۰۷	۰/۰۹
متغیر						
دوگانگی	یکسان بودن مدیرعامل با رئیس یا نائب‌رئیس هیئت‌مدیره	۵۶	۱	۰	کمترین	
	یکسان نبودن مدیرعامل با رئیس یا نائب‌رئیس هیئت‌مدیره	۳۳۹				

نتایج آزمون فرضیه‌ها

الگوی کلی تحقیق در محیط نرم افزار پی‌ال‌اس طراحی گردید. در این الگو یک متغیر مکنون وابسته (گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری) و یک متغیر مکنون مستقل (ویژگی‌های هیئت‌مدیره) وجود دارد. در الگوسازی معادلات ساختاری به روش پی‌ال‌اس الگوی اندازه‌گیری، الگوی ساختاری و الگوی کلی برازش می‌گردند. در الگوی اندازه‌گیری بسته به اینکه الگو از نوع انعکاسی باشد یا سازنده نحوه برازش متفاوت خواهد بود. با توجه به اینکه شاخص‌ها هر یک نماینده یک مفهوم جداگانه بوده و لزوماً هم پوشانی ندارند و تغییرات در شاخص‌ها تغییرات سازه را موجب می‌شوند و شاخص‌ها همبستگی بسیار بالایی با هم ندارند در نتیجه الگوی حاضر از نوع سازنده است.

در ابتدا لازم است که روایی سازه مورد مطالعه قرار گرفته تا مشخص شود گویه‌های انتخاب شده برای اندازه‌گیری سازه مورد نظر از دقت لازم برخوردار است. یعنی آیا گویه‌ها برای اندازه‌گیری متغیر درست انتخاب شده‌اند یا خیر. **هیر و همکاران^{۴۸} (۲۰۱۱)** دو معیار برای سنجش روایی الگوهای سازنده معرفی می‌کنند. اول آن که در صورت بالا بودن هم‌خطی بین گویه‌ها در الگوی سازنده، برازش الگو زیر سؤال می‌رود. بررسی

هم‌خطی شاخص‌ها از طریق محاسبه VIF (فاکتور افزایش نرخ واریانس) انجام می‌شود. اگر مقدار این معیار برای یک شاخص برابر یا بیشتر از ۵ باشد نشان‌دهنده این است که حداقل ۸۰ درصد میزانی که آن شاخص سازه را تعریف می‌کند توسط شاخص‌های دیگر نیز تبیین می‌شود و بنابراین احتیاجی به باقی ماندن آن شاخص در الگو نیست. دوم آنکه در صورتی که مقدار t شاخص‌های یک سازه کمتر از ۱/۹۶ شود محقق در فاصله اطمینان ۹۵ درصد جایز است که آن شاخص را از الگو حذف نماید. جدول شماره ۳ مقادیر VIF را برای گویه‌های سازه ویژگی‌های هیئت‌مدیره را نشان می‌دهد.

وضعیت تورش واریانس برای متغیرهای مستقل پیش‌بینی‌کننده الگوی پژوهش نشان می‌دهد که هر یک از متغیرهای مستقل دارای نقش منحصر به فرد خود بوده و در شکل‌گیری میان واریانس تبیین شده الگو هیچگونه تداخل قابل توجه وجود ندارد؛ زیرا شاخص VIF برای تمام گویه‌هایی که در مسیر نقش متغیر پیش‌بین را داشته‌اند کمتر از حد بحرانی ۵ محاسبه شده که این مقدار بحرانی حداکثر میزان ضریب تحمل هم‌پوشانی واریانس‌های تبیین شده است.

جدول شماره ۳. فاکتور افزایش نرخ واریانس متغیرهای پژوهش

سازه	متغیر	VIF	سطح قابل قبول
تورش واریانس	اندازه هیئت‌مدیره	۱/۰۵۹	زیر مقدار ۵
	نسبت زنان در هیئت‌مدیره	۱/۰۲۹	زیر مقدار ۵
	نسبت ثبات اعضای هیئت‌مدیره	۱/۰۵۶	زیر مقدار ۵
	میزان تحصیلات هیئت‌مدیره	۱/۱۰۶	زیر مقدار ۵
	تعداد جلسات هیئت‌مدیره	۱/۱۵۷	زیر مقدار ۵
	دوگانگی وظیفه مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره	۱/۱۱۲	زیر مقدار ۵
	نسبت اعضای غیر موظف هیئت‌مدیره	۱/۱۳۴	زیر مقدار ۵
	نسبت مالکیت هیئت‌مدیره	۱/۰۸۱	زیر مقدار ۵

در جدول شماره ۴ مقادیر t گویه‌های سازه ویژگی‌های هیئت‌مدیره آورده شده است. متغیرهای اندازه هیئت‌مدیره و تعداد جلسات هیئت‌مدیره که مقدار t کمتر از ۱/۹۶ دارند در فاصله اطمینان ۹۵ درصد از الگو حذف می‌شوند.

جدول شماره ۴. مقدار t متغیرهای پژوهش در مرحله برازش الگوی اندازه‌گیری

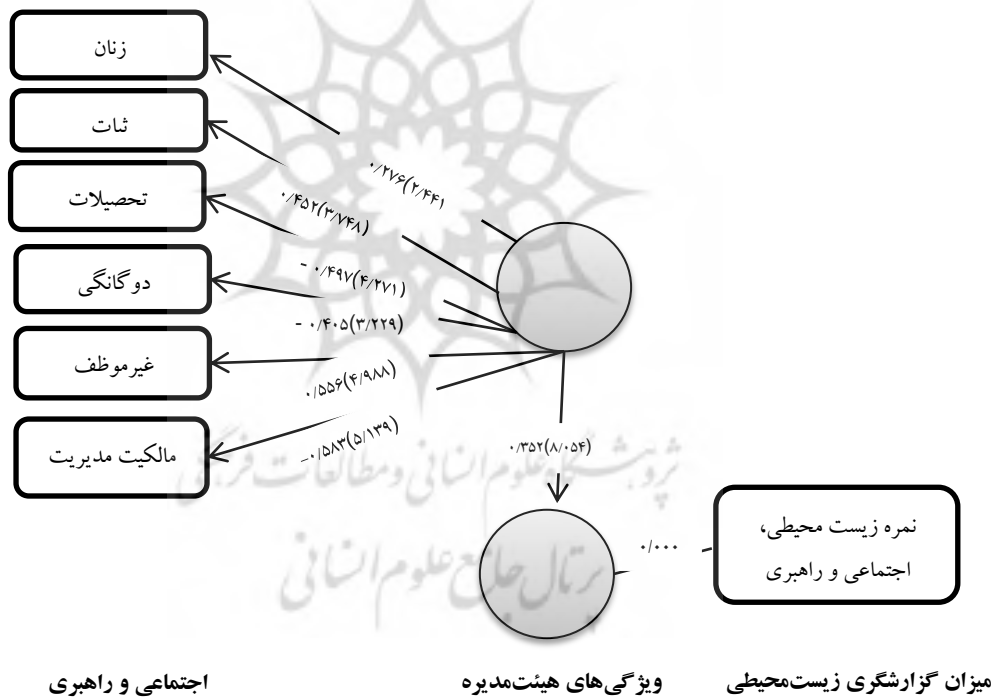
متغیر	مقدار. t	سطح قابل قبول	نتیجه	سازه
اندازه هیئت‌مدیره	۰/۰۱۳	بالای ۱/۹۶	حذف از الگو	نسبت ثبات میزان تعداد دوگانگی نسبت نسبت
نسبت زنان در هیئت‌مدیره	۲/۴۵۶	بالای ۱/۹۶	باقی ماندن در الگو	
نسبت ثبات اعضای هیئت‌مدیره	۳/۱۸۱	بالای ۱/۹۶	باقی ماندن در الگو	
میزان تحصیلات هیئت‌مدیره	۳/۰۶۹	بالای ۱/۹۶	باقی ماندن در الگو	
تعداد جلسات هیئت‌مدیره	۰/۴۳۶	بالای ۱/۹۶	حذف از الگو	
دوگانگی وظیفه مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره	۳/۳۹۵	بالای ۱/۹۶	باقی ماندن در الگو	
نسبت اعضای غیر موظف هیئت‌مدیره	۳/۷۹۸	بالای ۱/۹۶	باقی ماندن در الگو	
نسبت مالکیت هیئت‌مدیره	۵/۵۲۴	بالای ۱/۹۶	باقی ماندن در الگو	

بر اساس نتایج جدول شماره ۳ و ۴ مشخص شد که نشانگرهای نسبت زنان در هیئت‌مدیره و نسبت ثبات اعضای هیئت‌مدیره و دوگانگی وظیفه مدیرعامل، نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره و نسبت مالکیت هیئت‌مدیره و نسبت تحصیلات هیئت‌مدیره به دلیل داشتن مقدار t بیشتر از ۱/۹۶ و کمتر از ۵ از اهمیت لازم برای اندازه‌گیری برخوردار هستند و لذا روابی سازه که برای بررسی دقت و اهمیت نشانگرهای انتخاب شده برای اندازه‌گیری سازه مورد نظر انجام شده، نشان می‌دهد که نشانگرهای باقیمانده در الگو، ساختارهای عاملی مناسبی را جهت اندازه‌گیری سازه مورد مطالعه در الگوی نهایی تحقیق فراهم می‌آورد.

به منظور بررسی معناداری ضریب مسیر یا همان بتا در الگوی نهایی پژوهش از روش از سرگیری یا بازنمونه‌گیری استفاده شده، این روش می‌تواند با ساخت تعدادی بازنمونه پیاده‌سازی شود که هر کدام از این بازنمونه‌ها در واقع نمونه‌هایی تصادفی با جایگذاری از مجموعه داده‌های اصلی هستند. N در این روش معرف تعداد از سرگیری الگوریتم PLS برای یافتن بهترین راه حل است و عموماً برای دقت در دو فاز نمونه شبیه‌سازی می‌شود که برای این منظور از دو سطح ۵۰۰ مرتبه و ۸۰۰ مرتبه استفاده شد که نتایج در جدول شماره ۳ نشان می‌دهد در هر دو حالت در معنادار بودن یا بی‌معنی بودن پارامتر تغییری ایجاد نشده

و نتایج از اعتبار محکمی برخوردار هستند. لذا، می‌توان در قالب الگوی رگرسیونی فرضیه های تحقیق را آزمون نمود.

ARS^{۴۹} الگوی خطی برابر ۰/۳۰۵ و سطح معناداری آن ۰/۰۰۱ محاسبه شده که نشان می‌دهد بخش خوبی از واریانس موجود در داده‌ها با روابط موجود به شکل خطی بیان شده است. ضریب مسیر (APC) برای الگوی خطی برابر ۰/۳۵۲ با سطح معناداری ۰/۰۰۱ به دست آمد. جدول شماره ۶ نشان می‌دهد روابط بین متغیرها به خوبی شناسایی شده و بالاترین ضریب برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شده، زیرا مقدار آن معنادار است. ضمناً برای برازش کلی الگو از معیار ریشه دوم میانگین مربعات باقیمانده استاندارد شده (SRMR) استفاده می‌شود که این معیار مقدار ۰/۰۸ و کمتر از ۰/۱ محاسبه شده و نشان از برازش کلی الگو دارد.



شکل شماره ۱. ضریب مسیر و مقدار t در الگوی نهایی پژوهش

جدول شماره ۶. اثر خطی مورد مطالعه متغیرهای مستقل مورد مطالعه بر متغیر وابسته

بازنمونه‌گیری (BS)		ضریب	سطح	ضریب	اثر خطی مورد مطالعه
n=۸۰۰	n=۵۰۰	تعیین	معناداری	مسیر	
۲/۴۴۱	۲/۴۴۱		۰/۰۴۰	۰/۲۷۶	نسبت زنان در هیئت‌مدیره \leftarrow میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری
۳/۷۰۴	۳/۷۴۸		۰/۰۰۴	۰/۴۵۲	نسبت ثبات اعضای هیئت‌مدیره \leftarrow میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری
۴/۱۴۷	۴/۲۷۱	۰/۳۰۵	۰/۰۰۸	-۰/۴۹۷	میزان تحصیلات هیئت‌مدیره \leftarrow میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری
۳/۲۵۲	۳/۲۲۹		۰/۰۰۵	-۰/۴۰۵	دوگانگی وظیفه مدیرعامل \leftarrow میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری
۴/۷۰۹	۴/۹۸۸		۰/۰۰۰	۰/۵۵۶	نسبت اعضای غیر موظف هیئت‌مدیره \leftarrow میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری
۵/۲۷۱	۵/۱۳۹		۰/۰۰۰	-۰/۵۸۳	نسبت مالکیت هیئت‌مدیره \leftarrow میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری

بر اساس اطلاعات به دست آمده از الگو، ضریب مسیر متغیر نسبت زنان در هیئت‌مدیره بر میزان گزارشگری زیست‌محیطی و اجتماعی و راهبری معادل ۰/۲۷۶ محاسبه شده است که دارای مقدار t در دو حالت نمونه‌گیری ۵۰۰ و ۸۰۰ بالای ۱/۹۶ است. با توجه به سطح معناداری که ۰/۰۵ محاسبه شده است، مشخص می‌شود که فرضیه اول پژوهش پذیرفته می‌شود. با توجه به مثبت بودن و معناداری این اثر می‌توان بیان نمود که شرکت‌هایی که زنان بیشتری در هیئت‌مدیره خود دارند میزان گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری آنها نیز بالاتر است. ضریب مسیر نسبت ثبات اعضای هیئت‌مدیره بر میزان گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری معادل ۰/۴۵۲ محاسبه شده است که دارای مقدار t در دو حالت نمونه‌گیری ۵۰۰ و ۸۰۰ بالای ۱/۹۶ است. با توجه به سطح معناداری که ۰/۰۵ محاسبه شده است مشخص می‌شود که فرضیه دوم پژوهش پذیرفته می‌شود. با توجه به مثبت بودن و معناداری این اثر می‌توان بیان نمود که شرکت‌هایی که بیشتر اعضای هیئت‌مدیره‌شان نسبت به سال‌های قبل ثابت هستند میزان گزارشگری

زیست محیطی، اجتماعی و راهبری آنها نیز بالاتر است. ضریب مسیر میزان تحصیلات هیئت مدیره بر میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری معادل $0/497$ - محاسبه شده است که دارای مقدار t در دو حالت نمونه گیری 500 و 800 بالای $1/96$ است. با توجه به سطح معناداری که $0/05$ محاسبه شده است مشخص می شود که فرضیه سوم پژوهش پذیرفته می شود. با توجه به منفی بودن و معناداری این اثر می توان بیان نمود که شرکت هایی که هیئت مدیره با تحصیلات بالاتر دارند میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری آنها پایین تر است.

ضریب مسیر دوگانگی وظیفه مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره بر میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری معادل $0/405$ - محاسبه شده است که دارای مقدار t در دو حالت نمونه گیری 500 و 800 بالای $1/96$ است. با توجه به سطح معناداری که $0/05$ محاسبه شده است مشخص می شود که فرضیه چهارم پژوهش پذیرفته می شود. با توجه به منفی بودن و معناداری این اثر می توان بیان نمود که شرکت هایی که رئیس یا نائب رئیس هیئت مدیره با مدیرعامل یکی هستند میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری آنها بالاتر است. ضریب مسیر نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره بر میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری معادل $0/556$ محاسبه شده است که دارای مقدار t در دو حالت نمونه گیری 500 و 800 بالای $1/96$ است. با توجه به سطح معناداری که $0/05$ محاسبه شده است، مشخص می شود که فرضیه پنجم پژوهش پذیرفته می شود. با توجه به مثبت بودن و معناداری این اثر می توان بیان نمود که شرکت هایی که اعضای غیرموظف بیشتری در هیئت مدیره خود دارند میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری آنها بالاتر است. ضریب مسیر نسبت مالکیت هیئت مدیره بر میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری معادل $0/583$ - محاسبه شده است که دارای مقدار t در دو حالت نمونه گیری 500 و 800 بالای $1/96$ است. با توجه به سطح معناداری که $0/05$ محاسبه شده است مشخص می شود که فرضیه ششم پژوهش پذیرفته می شود. با توجه به

منفی بودن و معناداری این اثر می‌توان بیان نمود که شرکت‌هایی که میزان مالکیت هیئت‌مدیره کمتر است، س میزان گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری آنها بالاتر است. متغیرهای اندازه هیئت‌مدیره و تعداد جلسات هیئت‌مدیره در مرحله برازش اندازه‌گیری الگو دارای t کمتر از ۱/۹۶ بودند؛ پس در سطح اطمینان ۹۵ درصد بر میزان گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری اثر معناداری ندارند. لذا فرضیه هفتم و هشتم رد می‌شوند.

بر اساس نتایج الگو مشخص می‌شود که اثر رگرسیونی ویژگی‌های هیئت‌مدیره و میزان گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری دارای ضریب مسیر ۰/۳۵۲ است که مقدار t محاسبه شده برای آن در دو حالت باز نمونه‌گیری ۵۰۰ و ۸۰۰ بالای ۱/۹۶ است که نشان از دقت معناداری پارامتر دارد. با توجه به این نتیجه مشخص می‌شود که ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر میزان گزارشگری زیست‌محیطی و اجتماعی و راهبری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار اثر معناداری به لحاظ آماری دارد و از ویژگی‌های هیئت‌مدیره می‌توان به عنوان متغیر پیش‌بین میزان گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نام برد. بر اساس اطلاعات به دست آمده باید پذیرفت که ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر میزان گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری با یک درصد خطا، تأثیر مثبت و معناداری به لحاظ آماری دارد. لذا، یک واحد تغییر در انحراف استاندارد ویژگی‌های هیئت‌مدیره می‌تواند سبب افزایش ۰/۳۵۲ واحد در مقدار گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران شود که مقدار قابل توجهی است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش شواهدی را از اثر ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر میزان گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری نشان می‌دهد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که شرکت‌های با ترکیب زنان بیشتر در هیئت‌مدیره، میزان گزارشگری زیست‌محیطی،

اجتماعی و راهبری آنها بالاتر است. دلیل این امر را می‌توان این گونه تفسیر کرد که وجود زنان و دیگر مدیران اقلیت باعث عمل‌گرایی اجتماعی بیشتر شرکت می‌شود. این نتیجه با پژوهش **هجی (۲۰۱۳)** و **جیانپاراکیس (۲۰۱۴)** همخوانی دارد. از سوی دیگر، این پژوهش نشان داد که عدم تغییر در اعضای هیئت‌مدیره میزان گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری را افزایش می‌دهد که دلیل آن می‌تواند افزایش تجربه و بلوغ فکری این افراد در شرکت مربوطه و درک منافع بلندمدت گزارشگری پایداری دانست که منجر به افشای مسائل غیرمالی شرکت خواهد شد. نتیجه این فرضیه با پژوهش **جیانپاراکیس (۲۰۱۴)** مطابقت دارد.

از طرف دیگر نتایج پژوهش نشان داد که افزایش میزان تحصیلات هیئت‌مدیره موجب کاهش افشای زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شده است. از آنجایی که برخی معتقدند مدیران جهت افزایش عملکرد شرکت از پرداخت هزینه در جهت اقدامات زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری جلوگیری می‌نمایند؛ به نظر می‌رسد این نظریه با افزایش تحصیلات مدیران شرکت‌های ایرانی در نمونه مورد مطالعه تقویت گردیده است. این نتیجه با تحقیق **باسو و کومار (۲۰۰۷)** مطابقت ندارد. همچنین پژوهش نشان داد که یکسانی مدیرعامل و رئیس یا نائب رئیس هیئت‌مدیره موجب افزایش گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شده است. با توجه به ممنوعیت تصدی همزمان پست مدیرعامل و ریاست هیئت‌مدیره در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، در پژوهش حاضر یکسانی مدیرعامل و نایب رئیس عمدتاً ملاک متغیر مذکور قرار گرفت که می‌تواند دلیل حاصل شدن رابطه معکوس این فرضیه در پژوهش حاضر باشد. نتیجه فرضیه مذکور با پژوهش **کیو و همکاران (۲۰۱۶)** مطابقت دارد، ولی با پژوهش **جیانپاراکیس (۲۰۱۴)** همخوانی ندارد. همچنین با اثبات رابطه مستقیم و معنادار میان افراد غیرموظف در ترکیب هیئت‌مدیره و میزان گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی، هیئت‌مدیره از استقلال بیشتری برخوردار بوده و در نتیجه جهت ایفای نقش نظارتی خود، هیئت‌مدیره را به افشای

اطلاعات زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی برای سرمایه‌گذاران تشویق می‌کنند. این فرضیه در پژوهش هجی (۲۰۱۳)، کیو و همکاران (۲۰۱۶) و مران‌جوری و علی‌خانی (۱۳۹۳) تأیید نشده است.

از سوی دیگر اثبات گردید هر چه میزان مالکیت اعضای هیئت‌مدیره کمتر بوده، میزان افشای زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری در شرکت‌ها افزایش یافته است؛ علت آن می‌تواند این امر باشد که هر چه میزان مالکیت مدیران افزایش یابد، ممکن است مدیران جهت حفظ منافع خود، کمتر متمایل به پرداخت هزینه در راستای انجام فعالیت‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکت باشند. نتیجه مذکور با پژوهش هجی (۲۰۱۳) مطابقت دارد. ضمناً پژوهش نشان داد که اندازه هیئت‌مدیره و تعداد جلسات تأثیر چندانی بر میزان گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری ندارد که دلیل آن می‌تواند به دلایل زیر باشد: اول آنکه طبق ماده ۱۰۷ اصلاحیه قانون تجارت، تعداد هیئت‌مدیره بیشتر شرکت‌های سهامی عام تعداد ۵ نفر هستند؛ از این رو مورد مذکور ممکن است نتایج تحقیق را تحت تأثیر قرار داده باشد و دوم آن که احتمالاً مسائل راهبردی غیرمالی شرکت‌ها در کلیه جلسات هیئت‌مدیره شرکت‌های ایرانی طرح نمی‌شوند؛ لذا افزایش یا کاهش تعداد جلسات احتمالاً بر میزان گزارشگری مسائل زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکت‌ها مؤثر نبوده است. نتایج مذکور با پژوهش هجی (۲۰۱۳) مطابقت دارد.

بر اساس یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود که سازمان بورس اوراق بهادار با شدت بیشتری به الزام شرکت‌های پذیرفته شده بورس برای اعمال ویژگی‌های اثرگذار هیئت‌مدیره بر میزان گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری اقدام نماید. ذینفعان شرکت‌ها نیز اگر خواهان تهیه و انتشار اطلاعات با کیفیت‌تری در زمینه غیرمالی هستند، باید به دنبال استخدام مدیران مستقل در شرکت باشند و از تغییر مکرر اعضای هیئت‌مدیره پرهیزند و طرح‌هایی برای محدود کردن مالکیت مدیران مصوب نمایند.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر در بخش محاسبه امتیاز زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکت‌ها این بود که برخی شرکت‌ها گزارش عملکرد اجتماعی یا گزارش عملکرد زیست‌محیطی را در گزارش هیئت‌مدیره به مجمع ارائه نکرده بودند؛ لذا اطلاعات همه شرکت‌ها برای آزمون در دسترس نبود و در نتیجه تعمیم نتایج تحقیق را با محدودیت مواجه می‌سازد.

یادداشت‌ها

1. Environmental, Social and Corporate Governance (ESG)
2. Jitmaneeroj
3. Matten and Moon
4. Haniffa and Cooke
5. Nikolas and Zourakis
6. Lang
7. Chen and Fan
8. Kolodinsky
9. Roca and Searcy
10. Kiron
11. Haniffa
12. Rezaee
13. Bell and Morse
14. Strezov
15. Villard
16. Rahdari and Rostamy
17. Sun
18. Haji
19. Brammer and Pavelin
20. Fama and Jensen
21. Giannarakis
22. Elsayed
23. Chen
24. Cheng and Courtenay
25. Huafang and Jianguo
26. Daily and Dalton
27. Webb
28. Abeysekera
29. Williams
30. Bear
31. Wang and Coffey
32. Qiu
33. Boesso and Kumar
34. Liu and Anbumozhi
35. Andersona
36. Bilimoria and Piderit
37. Muth and Donaldson
38. Laksmana
39. Jankalová and Jankal
40. Vafeas
41. Hermalin and Weisback
42. Jensen
43. Said
44. Siregar and Bachtiar
45. Mohd Ghazali
46. Khan
47. Velte
48. Hair
49. Avarage R Square

منابع

خوش‌طینت، محسن. (۱۳۷۴). حسابداری مسئولیت‌های اجتماعی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۳(۱۱۰)، ۱۸-۳۴.

صوبوحی، نسترن؛ محمدزاده، امیر. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین عملکرد اجتماعی، ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی. دانش حسابداری مالی، ۱(۱)، ۱۵۱-۱۲۷.

فخاری، حسین؛ فقیه، محسن. (۱۳۹۶). مطالعه اثر تعدیل‌کنندگی سازوکارهای راهبری شرکتی بر ارتباط بین مدیریت سود و قدرت پیش‌بینی‌کنندگی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پیشرفت‌های حسابداری*، ۱(۹)، ۱۶۷-۱۲۵.

فخاری، حسین؛ ملکیان، اسفندیار؛ جفایی رهنی، منیر. (۱۳۹۶). تبیین و رتبه‌بندی مؤلفه‌ها و شاخص‌های گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی به روش تحلیل سلسله‌مراتبی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. *حسابداری ارزشی و رفتاری*، ۲(۴)، ۱۵۳-۱۸۷.

مرانجوری، مهدی. علی‌خانی، راضیه. (۱۳۹۳). افشای مسئولیت‌های اجتماعی و راهبری شرکتی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*. ۳(۳)، ۳۲۹-۳۴۸.

مهدوی، غلامحسین؛ دریائی، عباسعلی؛ علی‌خانی، راضیه؛ مرانجوری، مهدی. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین اندازه شرکت، نوع صنعت و سودآوری با افشای اطلاعات حسابداری زیست‌محیطی و اجتماعی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۴(۳)، ۸۷-۱۰۳.

بیلویی خمسلویی، مالک؛ ایزدی‌نیا، ناصر؛ عرب‌صالحی، مهدی. (۱۳۹۷). تأثیر میزان شاخص‌های پایداری افشا شده بر کیفیت سود. *دانش حسابداری*، ۱(۹)، ۷-۳۴.

References

- Abeysekera, I. (2010). The influence of board size on intellectual capital disclosure by Kenyan listed firms. *Journal of Intellectual Capital*, 11(4), 504-518.
- Anderson, R., Mansib, S.A., Reeb, D.M. (2004). Board characteristics, accounting report integrity, and the cost of debt. *Journal of Accounting and Economics*, 37(3), 315-342.
- Bear, S., Rahman, N., Post, C. (2010). The impact of board diversity and gender composition on corporate social responsibility and firm reputation. *Journal of Business Ethics*, 97(2), 207-221.
- Bell, S., Morse, S. (2008). Sustainability indicators: Measuring the immeasurable? *London Earthscan*, 28(1), 65-73.
- Bilimoria, D., Piderit, S.K. (1994). Qualifications of corporate board committee members. *Group and Organisation Management*, 19(3), 1453-1477.
- Boesso, G., Kumar, K. (2007). Drivers of corporate voluntary disclosure: A framework and empirical evidence from Italy and the United States. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 20(2), 269-296.
- Brammer, S., Pavelin, S. (2008). Factors influencing the quality of corporate environmental disclosure. *Business Strategy and the Environment*, 17(2), 120-136.

- Chen, W.C., Lin, J.B., Yi, B. (2008). CEO duality and firm performance—an endogenous issue. *Corporate Ownership and Control*, 6(1), 58-65.
- Chen, S., Fan, J. (2011). Measuring corporate social responsibility based on a fuzzy analytical hierarchy process. *International Journal of Computer Network and Information Security*, 5(1), 13-22.
- Cheng, E., Courtenay, S. (2006). Board composition, regulatory regime and voluntary disclosure. *The International Journal of Accounting*, 41(3), 262-289.
- Daily, C.M., Dalton, D.R. (2003). Women in the boardroom: A business imperative. *Journal of Business Strategy*, 24(5), 8-19.
- Elsayed, K. (2007). Does CEO duality really affect corporate performance? Corporate governance. *An International Review*, 15(6), 35-47.
- Fakhari, H., Faghih, M. (2017). The study of the effect of moderating corporate governance mechanisms on the relationship between earning management and predictive power of profits in the companies listed in Tehran Stock Exchange. *Accounting Advances Journal*, 9(1), 125-167 [In Persian].
- Fakhari, H., Malekian, E., Jafaei rahni, M. (2017). Explain and ranking the components and indicators of environmental, social and corporate governance reporting with Analyzing Hierarchy Process in companies listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Value & Behavioral Accounting*, 2(4), 153-187 [In Persian].
- Fama, F., Jensen, M. (1983). Agency problems and residual claims. *The Journal of Law and Economics*, 26(2), 327-349.
- Giannarakis, G. (2014). The determinants influencing the extent of CSR disclosure. *International Journal of Law and Management*, 56(5), 393-416.
- Haji, A. (2013). Corporate social responsibility disclosures over time: evidence from Malaysia. *Managerial Auditing Journal*, 28 (7), 647-676.
- Hair, J., Ringle, C., Sarstedt, M. (2011). PLS-SEM: Indeed a silver bullet. *Journal of Marketing Theory and Practice*, 19(1), 139-152.
- Haniffa, R.M., Cooke, T.E. (2005). The impact of culture and corporate governance on corporate social reporting. *Journal of Accounting and Public Policy*, 24(5), 391-430.
- Hermalin, B.E., Weisback, M.S. (2003). Board of directors as an endogenously determined institution: A survey of the economic literature. Center for Responsible Business, *Working Paper*, Paper 3.
- Huafang, X., Jianguo, Y. (2007). Ownership structure, board composition and corporate voluntary disclosure: Evidence from listed companies in China. *Managerial Auditing Journal*, 22(6), 604-619.
- Jankalová, M., Jankal, R. (2017). The assessment of corporate social responsibility: approaches analysis. *Entrepreneurship and Sustainability Issues*, 4(4), 441-459.

- Jensen, M.C. (1993). The modern industrial revolution, exit, and the failure of internal control systems. *Journal of Finance*, 48(2), 831-847.
- Jitmaneroj, B. (2016). Reform priorities for corporate sustainability: environmental, social, governance or economic performance? *Management Decision*, 54(6), 74-89.
- Khan, M. (2010). The effect of corporate governance elements on corporate social responsibility (CSR) reporting: Empirical evidence from private commercial banks of Bangladesh. *International Journal of Law and Management*, 52(2), 82-109.
- Koshtinat, M. (1995). Social responsibility accounting. *Iranian Accounting and Auditing Review*, 3(10,11), 18-34 [In Persian].
- Kiron, D., Kruschwitz, N., Haanaes, K., Reeves, M., Goh, E. (2013). The innovation bottom line: The benefits of sustainability driven innovation. *MIT Sloan Management Review*, 54(2), 69-73.
- Kolodinsky, R.W. (2010). Attitudes about corporate social responsibility: Business Student predictors. *Journal of Business Ethics*, 12(3), 167-181.
- Laksmama, I. (2008). Corporate board governance and voluntary disclosure of executive compensation practices. *Contemporary Accounting Research*, 25(4), 1147-1182.
- Lang, D., Wiek, A., Bergmann, M. (2012). Transdisciplinary research in sustainability science: Practice, principles, and challenges. *Sustainability Science*, 7(1), 25-43.
- Liu, X., Anbumozhi, V. (2009). Determinant factors of corporate environmental information disclosure: an empirical study of Chinese listed companies. *Journal of Cleaner Production*, 17(6), 593-600.
- Mahdavi, G., Daryaei, A., Alikhani, M., Maranjory, M. (2014). The study of relationship between company size, industry type and profitability with disclosing environmental and social accounting information. *Journal of Accounting Experimental Research*, 4(3), 87-103 [In Persian].
- Maranjory, M., Alikhani, R. (2014). Social responsibility disclosure and corporate governance. *Journal of Accounting and Auditing Studies*, 21(3), 329-348 [In Persian].
- Matten, D., Moon, G. (2008). "Implicit" and "Explicit" CSR: A conceptual framework for a comparative understanding of corporate social responsibility. *Academy of Management Review*, 33(2), 87-103.
- Mohd Ghazali, N.A. (2007). Ownership structure and corporate social responsibility disclosure: Some Malaysian evidence. *Corporate Governance*, 7(3), 251-266.
- Muth, M.M., Donaldson, L. (1998). Stewardship theory and board structure: A contingency approach. *Corporate Governance: An International Review*, 6(1), 5-28.

- Nicolas, S.Z. (2012). Voluntry disclosure: evidence from UK. *Erasmus University Rotterdam*, Viewed 2 June 2015, 83-108.
- Nikbakht, M., Seyedi, S.A., Hashemalhoseini, R. (2009). The study board of directors characteristics on the company performance. *Accounting Advances Journal*, 2(1), 251-289 [In Persian].
- Qiu, Y., Shaukat, A., Tharyan, R. (2016). Environmental and social disclosures: Link with corporate financial performance. *The British Accounting Review*, 48(1), 102-116.
- Rahdari, A.H., Rostamy A.A. (2015). Designing a general set of sustainability indicators at the corporate level. *Journal of Cleaner Production*, 108(2), 757-771.
- Rezaee, Z. (2017). Corporate sustainability: Theoretical and integrated strategic imperative and pragmatic approach. *The Journal of Business Inquiry*, 16(1), 52-70.
- Roca, L.C., Searcy, C. (2012). An analysis of indicators disclosed in corporate sustainability reports. *Journal of Cleaner Production*, 20(2), 103-118.
- Sabouhi, N., Mohammadzadeh, A. (2018). Investigating the relationship between social function, corporate ownership and corporate governance. *Financial Accounting Knowledge*, 5(1), 151-127 [In Persian].
- Said, R., Zainuddin, Y.H., Haron, H. (2009). The relationship between corporate social responsibility disclosure and corporate governance characteristics in Malaysian public listed companies. *Social Responsibility Journal*, 5(2), 212-226.
- Siregar, S.V., Bachtiar, Y. (2010). Corporate social reporting: Empirical evidence from Indonesia stock exchange. *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 3(3), 241-252.
- Strezov, V., Evans, A., Evans, T. (2013). Defining sustainability indicators of iron and steel production. *Journal of Cleaner Production*, 51(2), 66-70.
- Sun, Y., Yi, Y., Lin, B. (2012). Board independence, internal information environment and voluntary disclosure of auditors' reports on internal controls. *China Journal of Accounting Research*, 5(2), 145-161.
- Vafeas, N. (1999). Board meeting frequency and firm performance. *Journal of Financial Economics*, 53(1), 113-42.
- Velte, P. (2016). Women on management board and ESG performance. *Journal of Global Responsibility*, 7(1), 12-25.
- Villard, A., Lelah A., Brissaud, D. (2015). Drawing a chip environmental profile: Environmental indicators for the semiconductor industry. *Journal of Cleaner Production*, 86(3), 98-109.
- Wang, J., Coffey, B.S. (1992). Board composition and corporate philanthropy. *Journal of Business Ethics*, 11(10), 771-778.

- Webb, E. (2004). An examination of socially responsible firms' board structure. *Journal of Management and Governance*, 8(3), 255-277.
- Williams, C. (2006). The gendered nature of career related learning experiences: A social cognitive career theory perspective. *Journal of Vocational Behavior*, 69(2), 262-275.
- Yabloi Khamsaloui, M., Izidinia, N., Arab Salehi, M. (2018). Effect of disclosed sustainability indices on quality of profit. *Journal of Accounting Knowledge*, 9(1), 34-7 [In Persian].

